

The Legal Regime of Fisheries Management in the Caspian Sea

(Type of Paper: Research Article)

Sassan Seyrafi*

Abstract

The collapse of the Soviet Union created a legal vacuum regarding fisheries management of the Caspian Sea. This vacuum greatly contributed to the steady decline of the Caspian living resources. In particular, the Caspian Sea's valuable stocks of sturgeon were endangered to the point of extinction. The critical situation of the sturgeon stocks led to the implementation of the Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES Convention) with respect to these stocks. This convention effectively brought trade in Caspian sturgeon under international supervision. Meanwhile, efforts by the Caspian coastal states to establish a new fisheries management regime produced the 2014 Agreement on Conservation and Sustainable Use of the Aquatic Biological Resources of the Caspian Sea. Furthermore, the Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, which was signed in 2018 by the five presidents of the Caspian states, adds new elements to the fisheries management regime. The main question of the present paper is: what is the legal regime of fisheries management in Caspian Sea? The findings of this study suggest that while the necessary legal framework for the integrated and institutionalized management of the Caspian Sea's living resources has been established, the efficacy of the new regime depends on the adoption and implementation of effective conservation and management measures by the Caspian coastal states.

Keywords

Caspian Sea, legal regime of fisheries management, living resources, sturgeon, CITES Convention, Aquatic Biological Resources Agreement, Convention on the Legal Status of the Caspian Sea.

* Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. Email: sansseyrafi@ut.ac.ir

Received: October 2, 2021 - Accepted: November 8, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

رژیم حقوقی مدیریت شیلات دریای خزر

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

ساسان صیرفی*

چکیده

با فروپاشی اتحاد شوروی خلأیی حقوقی در خصوص مدیریت شیلات دریای خزر پدید آمد که زمینه‌ساز کاهش روزافزون منابع آبی دریای خزر شد و به‌ویژه ذخایر ارزشمند ماهیان خاویاری این دریا را تا آستانه انقراض پیش برد. وضعیت بحرانی ذخایر ماهیان خاویاری دریای خزر به اعمال سازوکارهای کنوانسیون بین‌المللی کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در خطر انقراض (کنوانسیون سائیتس) درباره این ذخایر انجامید که عملاً تجارت ماهیان خاویاری دریای خزر را تحت نظارت بین‌المللی قرار داد. از سوی دیگر، تلاش‌های کشورهای ساحلی دریای خزر برای رفع خلأ رژیم حقوقی مدیریت شیلات با انعقاد موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه منابع زنده آبی دریای خزر در سال ۲۰۱۴ به نتیجه رسید. این موافقت‌نامه شالوده رژیم حقوقی جدیدی را برای مدیریت شیلات دریای خزر پی‌ریزی کرده است. افزون بر این، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر که در سال ۲۰۱۸ به امضای سران کشورهای ساحلی دریای خزر رسیده، در صورت لازم‌الاجرا شدن، با تقسیم دریای خزر به مناطق دریایی کشورهای ساحلی و پهنه آبی مشترک عناصر جدیدی را به ساختمان رژیم حقوقی مدیریت شیلات دریای خزر خواهد افزود. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که با لحاظ اسناد یادشده مدیریت منابع آبی دریای خزر تابع چه رژیم حقوقی است؟ روش پژوهش در این نوشتار توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه چارچوب حقوقی لازم برای مدیریت یکپارچه و نهادینه شیلات دریای خزر فراهم آمده، کارایی رژیم جدید منوط به اتخاذ تدابیر حفاظتی و مدیریتی مؤثر از سوی کشورهای ساحلی دریای خزر برای بهره‌برداری پایدار از منابع آبی این پهنه آبی است.

کلیدواژگان

ذخایر آبی، دریای خزر، رژیم حقوقی مدیریت شیلات، کنوانسیون وضعیت حقوقی کنوانسیون سائیتس، ماهیان خاویاری، موافقت‌نامه منابع زنده آبی.

* استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: sasanseyrafi@ut.ac.ir

مقدمه

مسئله رژیم حقوقی مدیریت شیلات دریای خزر از مسائل اساسی است که کشورهای ساحلی خزر در دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی با آن روبه‌رو بوده‌اند. به لحاظ غنای منابع آبی دریای خزر، به‌ویژه ذخایر ماهیان خاویاری، صید آبیان همواره جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد جوامع ساحلی این منطقه داشته است (شاحیدری، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۶؛ کولایی و گودرزی، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۰؛ محمودزاده و جعفری، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۰۹). در دوران شوروی سابق، بهره‌برداری از منابع آبی دریای خزر در اختیار ایران و شوروی قرار داشت. به دلالت بند ۴ ماده ۱۲ عهدنامه ۱۹۴۰ بازرگانی و دریانوردی ایران و شوروی، هریک از دو کشور دارای یک منطقه انحصاری ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی در امتداد ساحل خود بوده و خارج از مناطق ماهیگیری از حق برابر برای بهره‌برداری از منابع آبی دریای خزر برخوردار بودند (Vinogradov & Wouters, 1996: 89).^۱ با این همه، ایران و شوروی هیچ‌گاه رژیم حقوقی یکپارچه‌ای را برای مدیریت منابع آبی مشترک دریای خزر پدید نیاورده بودند. در این شرایط، اتحاد شوروی نقش اصلی را در مدیریت شیلات دریای خزر ایفا می‌کرد، زیرا به‌رغم تساوی ظاهری ناشی از عهدنامه ۱۹۴۰، عملاً بهره‌برداری از منابع آبی بخش‌های شمالی و میانی دریای خزر در انحصار ناوگان صیادی این کشور بود و دولت شوروی، با وضع مقررات داخلی، بر فعالیت‌های صیادی در این مناطق نظارت می‌کرد (De Meulenaer & Raymakers, 1996: 17). از سوی دیگر، فعالیت صیادان ایرانی به آب‌های نزدیک سواحل ایران در بخش جنوبی دریای خزر محدود شده و اغلب در منطقه انحصاری ماهیگیری ایران انجام می‌شد (صدرخانلو، ۱۳۵۰: ۱۶-۱۱؛ ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۲۷؛ Mirfendereski, 2001: 171-172 and 175). با اتمام مدت امتیاز شرکت شیلات ایران و شوروی و ملی شدن صنعت شیلات ایران^۲، فعالیت‌های

۱. برای ملاحظه متن فارسی عهدنامه بازرگانی و دریانوردی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی ر.ک: قانون تصویب قرارداد بازرگانی و بحریمایی بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی. قانون مذکور در

این تارنما قابل دسترسی است: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/84962>

شایان ذکر است که منطقه ماهیگیری موضوع بند ۴ ماده ۱۲ این عهدنامه نخستین بار در بند ۴ ماده ۱۷ عهدنامه اقامت و بازرگانی و دریانوردی مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱ ایران و شوروی پیش‌بینی شده بود که بعداً در بند ۴ ماده ۱۵ عهدنامه اقامت و بازرگانی و دریانوردی مورخ ۲۷ اوت ۱۹۳۵ تکرار شد.

۲. شایان توضیح است که در اجرای ماده ۱۴ عهدنامه ۱۹۲۱ دوستی ایران و شوروی، در سال ۱۹۲۷ معاهده‌ای به‌عنوان موافقت‌نامه بهره‌برداری از شیلات سواحل جنوبی دریای خزر بین ایران و شوروی منعقد شده بود. طبق این موافقت‌نامه دولت ایران امتیاز صید ماهی در امتداد سواحل ایرانی دریای خزر را به مدت ۲۵ سال به شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی معروف به شرکت «ایران‌ریبا» (Iranryba) واگذار کرده بود. اگرچه سهم ایران و شوروی از سرمایه شرکت یادشده به ظاهر مساوی بود، در واقع طرف شوروی بر این شرکت و از طریق

صیادان ایرانی نیز تحت نظارت شرکت سهامی شیلات ایران (شرکت شیلات شمال) قرار گرفت که تدابیر لازم را برای مدیریت ذخایر آبی واقع در منطقه یادشده اعمال می‌کرد.^۱

با فروپاشی اتحاد شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی خزر به پنج کشور، نظم پیشین در زمینه مدیریت شیلات نیز پایان یافت. دیدگاه‌های ناهمسان پنج کشور ساحلی درباره رژیم حقوقی دریای خزر به نوعی خلأ حقوقی در این دریا انجامید که مدیریت منابع آبی آن را نیز در برمی‌گرفت. نبود رژیم حقوقی مشخص و مشترک برای مدیریت منابع آبی دریای خزر از یک سو و وضع نابسامان سیاسی و اقتصادی چهار کشور ساحلی جانشین شوروی از سوی دیگر، سبب شد نظارت مؤثری بر فعالیت‌های صیادی در دریای خزر وجود نداشته باشد. این همه زمینه را برای صید بی‌رویه ذخایر آبیان دریای خزر فراهم آورد که حاصل «هجوم خیل عظیم مردم فقیر جهت امرار معاش از منابع طبیعی از جمله دریا» بود (بهران و غمخوار، ۱۳۸۶: ۲۱۰). بی‌گمان نمود بارز این بحران در صید بی‌رویه ماهیان خاویاری جلوه یافت که طی چند سال پس از فروپاشی شوروی، ذخایر این ماهیان را تا مرز انقراض پیش برد. شدت بحران ماهیان خاویاری دریای خزر در دهه ۹۰ میلادی چنان بود که واکنش جامعه جهانی را در پی داشت. این واکنش به صورت اعمال «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در خطر انقراض»^۲ (معروف به «کنوانسیون سایتیس (سایتیز)» و زین پس به این عنوان خوانده می‌شود) نسبت به گونه‌های ماهیان خاویاری دریای خزر تحقق یافت. بدین سان بود که تجارت جهانی ماهیان خاویاری دریای خزر تابع نوعی نظارت بین‌المللی شد که تاکنون نیز ادامه یافته است.

در سطح منطقه‌ای، تلاش کشورهای ساحلی خزر برای اعمال مدیریت یکپارچه بر شیلات دریای خزر با تشکیل «کمیسیون منابع زنده دریایی دریای خزر»^۳ در سال ۱۹۹۲ آغاز شد.^۱

آن بر شیلات بخش جنوبی دریای خزر تسلط داشت. صیادان ایرانی به‌عنوان «صیادان آزاد» تنها مجاز بودند در مناطق مشخصی از آب‌های امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی به‌طور محدود به صید بپردازند. با اتمام مدت امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی در سال ۱۹۵۲، دولت ایران از تمدید این امتیاز خودداری کرد و در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ صنعت شیلات دریای خزر ملی اعلام شد. با تأسیس شرکت سهامی شیلات ایران (شرکت شیلات شمال) این شرکت جایگزین شرکت ایران‌ریا شد. برای توضیح بیشتر درباره پیشینه تاریخی و چگونگی اجرای موافقت‌نامه ۱۹۲۷ شیلات ر.ک: Mirfendereski, 2001: 125-129. برای ملاحظه متن فارسی موافقت‌نامه یادشده ر.ک: قانون اجازه مبادله لایحه شیلات منعقد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. قانون مذکور در این تارنما قابل دسترسی است: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/84949>

۱. برای بررسی مقررات داخلی ایران در خصوص حفاظت و مدیریت منابع آبی دریای خزر ر.ک: فکور، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۲

2. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES)

برای ملاحظه متن فارسی کنوانسیون سایتیس (سایتیز) ر.ک: قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند. قانون مذکور در این تارنما قابل دسترسی است: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/84509>

3. Commission on Aquatic Bioresources of the Caspian Sea

دستاورد حقوقی این کمیسیون تدوین «موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه منابع زنده آبی دریای خزر»^۲ (زین پس به اختصار «موافقت‌نامه منابع زنده آبی» خوانده می‌شود) بود. با انعقاد این موافقت‌نامه که در سال ۲۰۱۴ به امضای بالاترین مقامات شیلاتی پنج کشور ساحلی خزر رسید^۳، رژیم حقوقی جدیدی برای مدیریت شیلات دریای خزر شالوده‌ریزی شد. این رژیم حقوقی با الگوبرداری از نظام سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات^۴، زمینه را برای مدیریت یکپارچه و نهادینه شیلات دریای خزر را فراهم آورده است.

از سوی دیگر، پس از دو دهه مذاکرات کشورهای ساحلی خزر، «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»^۵ (از این پس به اختصار «کنوانسیون وضعیت حقوقی» خوانده می‌شود) در سال ۲۰۱۸ به امضای رؤسای جمهور این پنج کشور رسید. چنانچه این کنوانسیون لازم‌الاجرا شود^۶، نظم حقوقی جدیدی در دریای خزر برقرار خواهد شد.^۷ از آورده‌های اصلی کنوانسیون

۱. این کمیسیون طبق پروتکل مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲ تشکیل شد که در نشست نمایندگان فدراسیون روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان به امضا رسید. ایران در سال ۲۰۰۱ به عضویت این کمیسیون درآمد.

2. Agreement on Conservation and Sustainable Use of the Aquatic Biological Resources of the Caspian Sea برای ملاحظه متن فارسی موافقت‌نامه منابع زنده آبی ر.ک: قانون موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر. قانون مذکور در این تارنما قابل دسترسی است:

<http://qavanin.ir/Law/TreeText/253737>

۳. موافقت‌نامه منابع زنده آبی در پایان چهارمین اجلاس سران کشورهای ساحلی در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴ امضا شده و پس از تصویب هر پنج کشور ساحلی در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا شده است.

۴. «سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات» (Regional Fisheries Organizations)، سازمان‌های بین‌المللی دولتی‌اند که به منظور مدیریت ذخایر آبی مناطق مشخصی از دریای آزاد توسط کشورهای ساحلی پیرامون منطقه مربوطه و کشورهایی که در آب‌های آزاد آن منطقه به صید می‌پردازند، تشکیل می‌شوند. این سازمان‌ها محور اصلی نظام بین‌المللی مدیریت منابع آبی دریای آزادند. این نظام بر شالوده اصول مقرر در بخش ۲ قسمت هفتم کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در خصوص حقوق دریاها (زین پس به اختصار «کنوانسیون حقوق دریاها» خوانده می‌شود) و مقررات موافقت‌نامه ۱۹۹۵ اجرای کنوانسیون ملل متحد در خصوص حقوق دریاها راجع به حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای (معروف به «موافقت‌نامه ذخایر ماهیان» (Fish Stocks Agreement) و زین پس به این عنوان خوانده می‌شود) بنا شده است. برای توضیح بیشتر ر.ک: سون و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳۸-۳۱۵؛ Tanaka, 2019: 281-321.

5. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea

برای ملاحظه متن فارسی کنوانسیون وضعیت حقوقی ر.ک: <https://www.mfa.gov.ir/files/mfa/caspian/hoghhooghi.pdf>

۶. کنوانسیون وضعیت حقوقی در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر در تاریخ ۱۲ اوت ۲۰۱۸ به امضا رسیده است، اما از آنجا که ایران تاکنون از تصویب آن خودداری کرده، هنوز لازم‌الاجرا نشده است. در خصوص پیشینه رژیم حقوقی دریای خزر و تاریخچه مذاکرات کنوانسیون وضعیت حقوقی ر.ک: دمیرچی لو، ۱۳۸۵؛ شاحیدر، ۱۳۹۱: ۲۷۴-۲۳۷.

۷. برای توضیح درباره مفاد کنوانسیون وضعیت حقوقی ر.ک: صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۸۱-۲۷۸؛ Karataeva, 2020

وضعیت حقوقی، مقررات آن در خصوص بهره‌برداری از منابع آبی دریای خزر است که با لحاظ موافقت‌نامه منابع زنده آبی و در راستای تکمیل آن وضع شده است. بنابر آنچه گفته شد، مدیریت شیلات دریای خزر بر سه پایه کنوانسیون سائیتس، موافقت‌نامه منابع زنده آبی و کنوانسیون وضعیت حقوقی در فرض لازم‌الاجرا شدن، بنا شده است. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که اسناد یادشده چه رژیم حقوقی را در خصوص مدیریت منابع آبی دریای خزر پدید آورده‌اند؟ برای پاسخ به پرسش مذکور در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مقررات سه سند پیش‌گفته خواهیم پرداخت. اما در گام نخست، نگاهی اجمالی به منابع آبی دریای خزر ضروری به نظر می‌رسد.

نگاهی اجمالی به منابع آبی دریای خزر

تنوع زیستی حوزه دریای خزر زیست‌بومی کم‌مانند در این منطقه پدید آورده است که انواع متعددی از گونه‌های جانوری و گیاهی را در برمی‌گیرد. بیش از ۱۶۰ گونه و زیرگونه ماهی در حوزه دریای خزر شناخته شده است.^۱ گونه‌های یادشده اغلب از خانواده‌های شک‌ماهیان، کپورماهیان، گاوماهیان، سوف‌ماهیان، کفال‌ماهیان، آزادماهیان، تاس‌ماهیان و... هستند. از میان گونه‌های مذکور ۲۵ گونه به لحاظ ارزش تجاری صید می‌شوند (Khodorevskaya et al., 2014:3). غالباً ماهیان تجاری دریای خزر را به دو گروه «ماهیان خاویاری»^۲ و «ماهیان استخوانی»^۳ تقسیم می‌کنند.

ماهیان خاویاری گونه‌های خانواده «تاس‌ماهیان»^۴ هستند که به لحاظ گوشت و به‌ویژه خاویار استحصالی ارزش تجاری بسیار زیادی دارند. از میان ۲۵ گونه تاس‌ماهیان شش گونه آنها در حوزه دریای خزر زیست می‌کنند که عبارت‌اند از: «تاس‌ماهی روسی (چالباش)»، «تاس‌ماهی ایرانی (قره‌برون)»، «تاس‌ماهی شکم‌برهنه (شیپ)» «فیل‌ماهی (بلوگا)»، «اوزون‌برون (سیوروگا)» و «استریاد». در گذشته بیش از ۹۰ درصد خاویار مصرفی جهان از صید تاس‌ماهیان دریای خزر حاصل می‌شد. اگرچه میزان صید ماهیان خاویاری دریای خزر همواره نوسان دارد، از دهه ۷۰ میلادی رو به افزایش نهاد، به‌طوری‌که در سال ۱۹۷۷ به بیش از ۲۸/۸ هزار تن رسید (Ruban & Khodorevskaya, 2011: 199). با این وصف، از دهه ۸۰ میلادی میزان ذخایر و صید ماهیان خاویاری دریای خزر روند نزولی پیدا کرد. این روند نزولی با فروپاشی اتحاد شوروی شدت یافت؛

۱. در منابع مختلف ارقام مختلفی درباره تعداد گونه‌ها و زیرگونه‌های ماهیان در دریای خزر ذکر شده است. برای نمونه ر. ک: پورکاظمی، ۱۳۸۶: ۲-۳.

2. Sturgeon

3. Bony fish

4. Acipenseridae

چندان که میزان کل صید ثبت شده ماهیان خاویاری از ۱۶/۳ هزار تن در سال ۱۹۹۰ به ۱/۶ هزار تن در سال ۲۰۰۰ و تقریباً ۲۰۰ تن در سال ۲۰۱۰ رسید. این روند کاهشی به جایی رسید که همه گونه‌های ماهیان خاویاری دریای خزر در خطر انقراض قرار گرفتند (Khodorevskaya et al., 2014:3; Pourkazemi, 2009: 4-6; Ruban & Khodorevskaya, 2011: 199-200).

وضعیت بحرانی ماهیان خاویاری دریای خزر به علل گوناگون از جمله تخریب زیستگاه‌های طبیعی ماهیان خاویاری، احداث سد بر رودخانه‌های منتهی به دریای خزر، به‌ویژه رود ولگا، که محل تخم‌ریزی طبیعی ماهیان خاویاری هستند، آلودگی آب دریای خزر و ... نسبت داده شده است. با این همه، اجماع بر این است که علت اصلی این بحران صید بی‌رویه است که اغلب به‌صورت غیرمجاز انجام می‌گیرد. صید غیرمجاز ماهیان خاویاری و قاچاق خاویار پس از فروپاشی شوروی به‌شست گسترش یافت و تاکنون نیز ادامه دارد، به‌طوری‌که در زمانی که صید تجاری ماهیان خاویاری ممنوع نشده بود، میزان صید غیرمجاز ۶ تا ۱۰ برابر صید مجاز تخمین زده می‌شد (Aladin and others, 2018: 2080-1; Graham & Murphy, 2007: 69-70; Khodorevskaya, 1997: 214-7;).

در میان ماهیان استخوانی «کیلکاماهیان»^۱ جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد شیلاتی دریای خزر دارند. ماهیان کیلکا به خانواده «شک‌ماهیان»^۲ تعلق دارند و سه گونه آنها به نام‌های «کیلکای معمولی»، «کیلکای آنچوی» و «کیلکای چشم‌درشت» در دریای خزر زیست می‌کنند. کیلکاماهیان دریای خزر به لحاظ گوشت و تولید پودر ماهی از ارزش تجاری بالایی برخوردارند. از سوی دیگر، فراوان‌ترین ذخایر ماهی در دریای خزر کیلکاماهیان هستند. میزان صید این ماهیان در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۴۰۰ هزار تن رسید که ۷۰ درصد کل صید دریای خزر را محسوب می‌شد (Khodorevskaya et al., 2014: 36). با این وصف، ذخایر کیلکاماهیان دریای خزر و میزان صید آنها از دهه ۸۰ میلادی روند کاهشی پیدا کرده است. گذشته از صید بی‌رویه، علت اصلی کاهش ذخایر کیلکاماهیان دریای خزر ورود گونه‌شان‌دار معروف به «گردوی دریایی»^۳ به دریای خزر است که سبب کاهش شدید ذخایر کیلکای آنچوی و چشم‌درشت شده است (پور کاظمی، ۱۳۸۶: ۶؛ ۴-۴۱: Khodorevskaya et al., 2014).

گونه‌های دیگری از ماهیان استخوانی دریای خزر نیز همواره مورد برداشت تجاری بوده‌اند. از جمله این گونه‌ها می‌توان به ماهی سفید، ماهی سیم، ماهی کلمه، ماهی آزاد، ماهی کپور، ماهی کفال طلایی و ... اشاره کرد. بیشینه ذخایر ماهیان استخوانی دریای خزر نیز یا رو به کاهش داشته یا تهی شده‌اند. این وضع ناشی از عللی چند از جمله تخریب زیستگاه‌های طبیعی ماهیان، آلودگی دریای خزر، نوسانات سطح آب دریای خزر، عدم بازسازی کافی ذخایر و البته

1. Kilka
2. Clupeidae
3. Mnemiopsis Leidy

صید بی‌رویه به‌ویژه صید غیرمجاز دانسته شده است (Aladin *et al.*, 2018: 2080-2;)
(Khodorevskaya *et al.*, 2014:3-5).

گذشته از ذخایر ماهیان دریای خزر، باید به «فک دریای خزر»^۱ نیز اشاره کرد که از ارزش شیلاتی و بوم‌شناختی فراوانی برخوردار است. فک خزر تنها پستاندار دریای خزر محسوب می‌شود و در رأس هرم زیستی زیست‌بوم این دریا قرار دارد. از آنجا که پوست، گوشت و روغن فوک دریای خزر ارزش تجاری دارد، از گذشته صید می‌شده است. گفته می‌شود که در پایان سده نوزدهم میلادی جمعیت فوک دریای خزر بیش از یک میلیون بوده است. اما صید بی‌رویه در طول سده بیستم، آلودگی دریای خزر به‌ویژه با سم ددت و مرگ‌ومیر ناشی از انتشار نوعی بیماری و بررسی در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱، همه سبب شدند که جمعیت فک دریای خزر به شدت کاهش یابد و این گونه منحصربه‌فرد در خطر انقراض قرار گیرد (پورکاظمی، ۱۳۸۶: ۶; Aladin *et al.*, 2018: 2078).

کنوانسیون سائیتیس

چنانکه در مقدمه اشاره شد، اوج‌گیری بحران ماهیان خاویاری دریای خزر در دهه ۹۰ میلادی به واکنش جامعه جهانی انجامید. راهکار حقوقی که برای حل این بحران اتخاذ شد، اعمال کنوانسیون سائیتیس درباره ماهیان خاویاری دریای خزر بود. پیش از ورود به اصل بحث، نگاهی به ساختار، سازوکارها و نهادهای کنوانسیون سائیتیس خواهیم داشت.^۲

۱. ساختار، سازوکارها و نهادهای کنوانسیون سائیتیس

کنوانسیون سائیتیس در زمره اسناد بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست در زمینه حفاظت از گونه‌های حیات وحش است.^۳ موضوع این کنوانسیون اعمال نظارت بر تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی است که در خطر انقراض قرار دارند. هدف کنوانسیون سائیتیس این است که با ساماندهی تجارت بین‌المللی گونه‌های در خطر انقراض، از این گونه‌ها در برابر بهره‌برداری بی‌رویه حفاظت شود. رهیافت کنوانسیون سائیتیس برای تحقق هدف فوق، بر طبقه‌بندی گونه‌های

1. Caspian seal (*Phoca caspica*)

۲. برای توضیح بیشتر درباره کنوانسیون سائیتیس ر.ک: دبیری و آزادبخت، ۱۳۸۹؛ Reeve, 2002.

۳. کنوانسیون سائیتیس در ۳ مارس ۱۹۷۳ در واشنگتن امضا و در اول ژوئیه ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شده است. در حال حاضر این کنوانسیون ۱۸۳ طرف متعاقد (۱۸۲ کشور و اتحادیه اروپایی) دارد. همه کشورهای ساحلی دریای خزر جز ترکمنستان عضو کنوانسیون سائیتیس هستند. بنابر ماده ۱۰ کنوانسیون، کشورهای عضو مکلف‌اند مقررات آن را درباره واردات از کشورهای غیرعضو رعایت کنند و این کشورهای غیرعضو را هم وادار به اجرای مقررات کنوانسیون سائیتیس می‌کند.

مختلف گیاهی و جانوری در ضمایم ۱ تا ۳ این کنوانسیون استوار شده است. صادرات و واردات گونه‌های فهرست‌شده در این سه ضمیمه تابع نظام مجوزدهی است که در مواد ۳ تا ۵ کنوانسیون مقرر شده‌اند. هریک از کشورهای عضو کنوانسیون سائیتیس مکلف به تعیین یک یا چند «مقام اداری»^۱ برای اعطای پروانه صدور، پروانه ورود و گواهینامه صدور مجدد گونه‌های مشمول ضمایم سه‌گانه است.^۲ همچنین هر کشور عضو مکلف به تعیین یک یا چند «مقام علمی»^۳ است که حسب مورد در خصوص صدور پروانه‌ها و گواهینامه‌ها به مقام اداری مربوط مشورت می‌دهد. در کنوانسیون سائیتیس درجه حفاظت از هر گونه بستگی به این دارد که نام آن در کدام ضمیمه درج شده است. گونه‌های فهرست‌شده در ضمیمه ۱، گونه‌هایی هستند که «در معرض انقراض نسل قرار دارند و ادامه تجارت آنها در حال یا آینده بر بقای گونه مؤثر خواهد بود.» (CITES, 1973: Art. II.1) تجارت گونه‌های مشمول ضمیمه ۱ ممنوع بوده و صرفاً در موارد استثنایی و با رعایت شرایط ماده ۳ کنوانسیون مجاز است (CITES, 1973: Art. III). گونه‌های مشمول ضمیمه ۲، گونه‌هایی هستند که «فعالاً در معرض خطر انقراض نسل نیستند، ولی ممکن است [در آینده] در این خطر قرار گیرند، مگر آنکه تجارت این گونه‌ها تابع مقررات شدیدی شود تا از بهره‌برداری که بقای آنان را به خطر می‌اندازد، جلوگیری شود» (CITES, 1973: Art. II.2). بنابر ماده ۴ کنوانسیون سائیتیس، تجارت گونه‌های مشمول ضمیمه ۲ نیازمند اعطا و ارائه پروانه صدور از مقام اداری کشور صادرکننده و گواهینامه صدور مجدد از مقام اداری کشور صادرکننده مجدد در فرض صدور مجدد است. بنابر جزء «الف» بند ۲ ماده ۴ پروانه صدور گونه‌های ضمیمه ۲ در صورتی اعطا می‌شود که مقام علمی کشور صادرکننده تأیید کند که «صدور این گونه‌ها برای بقای آنها خطری نخواهد داشت» (CITES, 1973: Art. IV.2.a). همچنین طبق بند ۳ ماده ۴ هر زمان مقام علمی تشخیص دهد که صدور گونه‌های ضمیمه ۲ باید محدود شود تا این گونه‌ها در زیست‌بوم‌های خویش و بالاتر از سطحی که آنها را به ضمیمه ۱ انتقال دهد حفظ شوند، به مقام اداری مربوطه اطلاع خواهد داد که اقدامات مقتضی به منظور محدود ساختن صدور پروانه‌های صدور انواع آن گونه‌ها را به عمل آورد. هدف از سازوکار مذکور این است که تجارت بین‌المللی گونه‌های ضمیمه ۲ در سطح پایدار ساماندهی شود (CITES, 1973: Art. IV.3).^۴

1. Management Authority

۲. پروانه‌ها و گواهینامه‌های موضوع نظام مجوزدهی کنوانسیون سائیتیس طبق ماده ۶ این کنوانسیون و همچنین مقررات قطعنامه شماره ۳.۱۲ مصوب دوازدهمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (با اصلاحات بعدی) صادر می‌شوند.

3. Scientific Authority

۴. گونه‌های مشمول ضمیمه ۳ گونه‌هایی هستند که در معرض خطر انقراض نسل نیستند، اما در قلمرو یک کشور عضو کنوانسیون نیاز به حفاظت دارند و از این‌رو به درخواست آن کشور عضو در فهرست ضمیمه ۳ درج شده‌اند تا با

بنابر ماده ۱۱ کنوانسیون سایتیس نهاد اصلی تصمیم‌ساز در خصوص این کنوانسیون «کنفرانس طرف‌های متعاقد»^۱ است. کنفرانس طرف‌های متعاقد هر دو سال یک‌بار تشکیل می‌شود و دارای یک «کمیته دائمی» و همچنین «کمیته جانوری»، «کمیته گیاهی» است.^۲ از جمله صلاحیت‌های کنفرانس بنابر جزء «ب» بند ۳ ماده ۱۱، تغییر و اصلاح اسامی انواع گونه‌های ضمایم ۱ و ۲ است که طبق آیین مقرر در ماده ۱۵ کنوانسیون انجام می‌گیرد. امور اجرایی کنوانسیون سایتیس از جمله تشکیل جلسات کنفرانس و کمیته‌های آن و نیز اجرای تصمیمات آنها، به عهده دبیرخانه این کنوانسیون است که طبق ماده ۱۲ کنوانسیون تأسیس شده و به «دبیرخانه سایتیس»^۳ معروف است.^۴

طی دهه‌های بعد از اجرایی شدن کنوانسیون سایتیس، نهادهای این کنوانسیون سازوکارهای جدیدی را برای حفاظت مؤثرتر از گونه‌های مشمول ضمایم ۱ و ۲ به کار گرفته‌اند که در خود کنوانسیون پیش‌بینی نشده‌اند. از جمله می‌توان به اعمال «نظام سهمیه‌بندی صادرات»^۵ بر گونه‌های مشمول ضمایم ۱ و ۲ اشاره کرد. در این شیوه با تصویب کنفرانس طرف‌های متعاقد، برای کشور یا کشورهای صادرکننده یک گونه یا اجزای آن سهمیه سالانه‌ای توسط دبیرخانه سایتیس مشخص می‌شود که باید تعداد یا مقدار صادرات خود از گونه یا اجزای آن را به این سهمیه محدود کنند و دیگر طرف‌های متعاقد نیز از واردات گونه موردنظر خارج از سهمیه‌بندی سالانه خودداری می‌کنند.

همچنین باید به سازوکار «فرایند بازبینی تجارت عمده»^۶ اشاره کرد که برای حفاظت بهتر از گونه‌های مشمول ضمیمه ۲ به کار می‌رود.^۷ این سازوکار در مواردی اعمال می‌شود که یک

همکاری دیگر اعضای کنوانسیون تجارت گونه موردنظر از قلمرو آن کشور محدود یا متوقف شود. صدور گونه‌های مشمول ضمیمه ۳ نیازمند صدور پروانه صدور از سوی مقام اداری کشور صادرکننده - که آن گونه را با رعایت آیین مقرر در ماده ۱۶ کنوانسیون در فهرست ضمیمه ۳ درج کرده است - می‌باشد که با رعایت شرایط ماده ۵ کنوانسیون اعطاء می‌شود (CITES, 1973: Art. V).

1. Conference of the Parties (CoP)

۲. «کمیته دائمی» (Standing Committee) مرکب از نمایندگان منتخب طرف‌های کنوانسیون است و در فاصله نشست‌های کنفرانس وظایف آن را انجام می‌دهد. «کمیته جانوری» (Animals Committee) و «کمیته گیاهی» (Plants Committee) نیز مرکب از نمایندگان منتخب طرف‌های کنوانسیون هستند و به کنفرانس طرف‌های متعاقد و کمیته دائمی آن مشورت علمی می‌دهند.

3. CITES Secretariat

۴. دبیرخانه سایتیس در چارچوب برنامه محیط زیست ملل متحد تشکیل شده و در ژنو مستقر است. بالاترین مقام اجرایی دبیرخانه، دبیرکل آن است که به «دبیرکل سایتیس» (CITES Secretary General) معروف است.

5. Export Quota System

6. Review of Significant Trade Process

۷. سازوکار بازبینی تجارت عمده از این رو ابداع شد که سازوکار مجوزدهی ماده ۴ کنوانسیون سایتیس برای حفاظت از گونه‌های ضمیمه ۲ ناکارآمد بود، زیرا ماده یادشده تشخیص میزان صادرات گونه‌های ضمیمه ۲ را به کشورهای

گونه مشمول ضمیمه ۲ به طور عمده و در حجم زیاد تجارت شود، به طوری که بقای آن گونه تهدید شود. در این صورت، کمیته جانوری یا گیاهی تمهیداتی را برای اجرای مؤثر ماده ۴ به کشور یا کشورهای صادرکننده توصیه کرده و مهلتی برای اجرای تمهیدات مذکور تعیین می‌کند. چنانچه به تشخیص دبیرخانه سایتیس این تمهیدات در مهلت مقرر اجرایی نشوند، با تصویب کمیته دائمی، تجارت گونه مورد نظر از کشور یا کشورهای متخلف معلق می‌شود.^۱

۲. اعمال کنوانسیون سایتیس در مورد ماهیان خاویاری دریای خزر

در پی تشدید وضعیت بحرانی ماهیان خاویاری دریای خزر در دهه ۹۰ میلادی و در عین حال کاهش ذخایر تاسماهیان در دو حوزه دریای سیاه و دریای آزوف، بنابه تصمیم دهمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (هزاره [زیمبابوه] - ۱۹۹۷)، اسامی ۲۳ گونه تاسماهیان از جمله گونه‌های ماهیان خاویاری دریای خزر به ضمیمه ۲ کنوانسیون سایتیس اضافه شدند.^۲ بدین ترتیب بود که تجارت بین‌المللی ماهیان خاویاری دریای خزر تابع مقررات کنوانسیون سایتیس از جمله سازوکار مجوزدهی ماده ۴ این کنوانسیون شد. همچنین به موجب قطعنامه شماره ۱۲.۱۰ مصوب اجلاس یادشده، کنفرانس، ضمن توصیه پاره‌ای تمهیدات برای مدیریت ذخایر ماهیان خاویاری، از کمیته جانوری خواست فرایند بازبینی تجارت عمده را در مورد انواع گونه‌های تاسماهیان اعمال کند.

بررسی‌های کمیته جانوری در اجرای فرایند بازبینی تجارت عمده نشان داد که در میان کشورهای ساحلی دریای خزر تنها ایران مدیریت مؤثری بر ذخایر ماهیان خاویاری دریای خزر انجام می‌دهد. بر این اساس، کمیته جانوری اتخاذ تمهیداتی را برای ارزیابی ذخایر تاسماهیان دریای خزر و مدیریت یکپارچه آنها توسط چهار کشور جانشین شوروی توصیه کرد که در فوریه ۲۰۰۱ توسط دبیرخانه سایتیس به آنها ابلاغ شد. سپس در جریان چهل و پنجمین جلسه کمیته دائمی کنفرانس که در ژوئن ۲۰۰۱ در پاریس تشکیل شد، چهار کشور مذکور پس از مذاکره با دبیرخانه سایتیس متعهد شدند با همکاری یکدیگر تمهیدات توصیه شده را اجرا کنند. ایران نیز اعلام کرد که در این خصوص با دیگر کشورهای ساحلی خزر همکاری خواهد کرد. تمهیدات

صادرکننده واگذار کرده و مقامات اداری و علمی کشورهای صادرکننده به تکالیف مقرر در جزء «الف» بند ۲ و بند ۳ ماده یادشده عمل نمی‌کردند و این مسئله سبب شده بود که تجارت گونه‌های ضمیمه ۲ به طور عمده و در

حجم فراوان ادامه پیدا کند، چنانکه بقای بسیاری از گونه‌های ضمیمه ۲ به خطر افتاده بود.

۱. فرایند بازبینی تجارت عمده نخست بنابر قطعنامه ۹.۸ مصوب هشتمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (کیوتو [ژاپن] - ۱۹۹۲) انجام می‌شد و اینک طبق قطعنامه شماره ۸.۱۲ مصوب دوازدهمین اجلاس کنفرانس (سانتیاگو [شیلی] - ۲۰۰۲) انجام می‌گیرد. برای توضیح بیشتر در خصوص این فرایند ر.ک: Reeve, 2002:159-87

۲. دو گونه از تاسماهیان از ابتدا در فهرست ضمیمه ۱ کنوانسیون سایتیس قرار داشتند.

یادشده، که به «توافق پاریس»^۱ مشهورند، به تصویب کمیته دائمی رسیدند. کمیته دائمی مواعدی را نیز برای اجرای این تمهیدات تعیین و مقرر کرد چنانچه اجرای آنها در مواعد یادشده به تأیید دبیرخانه نرسیده باشد، واردات گوشت و خاویار انواع گونه‌های ماهیان خاویاری از آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و فدراسیون روسیه معلق شود (CITES SC, 2001). هرچند با تأیید اجرای تمهیدات توصیه شده توسط دبیرخانه تجارت ماهیان خاویاری دریای خزر هیچ‌گاه تعلیق نشد (CITES SC, 2002).

توافق پاریس در سال ۲۰۰۱، زمینه‌ساز تصویب قطعنامه شماره ۱۲.۷ در دوازدهمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (سانتیاگو [شیلی] - ۲۰۰۲) شد. در این قطعنامه با اصلاحات بعدی، مجموعه‌ای از تمهیدات متعدد برای حفاظت از ذخایر تاسماهیان سه حوزه دریای خزر، دریای سیاه و دریای آزوف و ساماندهی تجارت بین‌المللی آنها مقرر شده است (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7). اما دو عنصر اصلی قطعنامه شماره ۱۲.۷ نظام سهمیه‌بندی صید و صادرات تاسماهیان و نظام جهانی برچسب‌گذاری ظروف بسته‌بندی خاویار است.

۳. نظام سهمیه‌بندی صید و صادرات ماهیان خاویاری دریای خزر

نظام سهمیه‌بندی صید و صادرات ماهیان خاویاری نخست بنابر تصمیم شماره ۵۸.۱۱ مصوب یازدهمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (گیگیری [کنیا] - ۲۰۰۰) پی‌ریزی و از اول ژانویه ۲۰۰۱ اجرایی شد. سپس مقررات نظام سهمیه‌بندی در قطعنامه شماره ۷.۱۲ مجدداً تدوین و تکمیل شدند.

بنابر بند ۳ قطعنامه شماره ۷.۱۲ به کشورهای عضو کنوانسیون سائیتیس توصیه شده است که از واردات گوشت و خاویار تاسماهیان از کشورهای ساحلی سه حوزه دریای خزر، دریای سیاه و دریای آزوف خودداری کنند، مگر اینکه سهمیه صید و صادرات آنها طبق مقررات این قطعنامه مشخص شده باشد. کشورهای مذکور مکلف‌اند سهمیه صید و صادرات خود را به دبیرخانه سائیتیس اعلام کنند و این دبیرخانه در صورت تأیید، سهمیه صادراتی هر کشور را به طرف‌های کنوانسیون ابلاغ می‌کند.^۲ سهمیه سالانه پیشنهادی هر کشور باید تا ۳۱ دسامبر سال قبل به دبیرخانه اعلام شود، در غیر این صورت، سهمیه آن کشور صفر خواهد بود.^۳ سهمیه

1. Paris Agreement

۲. سهمیه‌های صادراتی نخست با صدور اطلاعیه از سوی دبیرخانه سائیتیس اعلام می‌شد اما بعداً در اجرای شق ۶ ذیل جزء «الف» بند ۳ قطعنامه ۷.۱۲ اعلام سهمیه‌ها از طریق تارنمای دبیرخانه سائیتیس انجام می‌شد.

۳. سال سهمیه از ۳۱ مارس هر سال آغاز می‌شود و تا آخر فوریه سال بعد ادامه پیدا می‌کند. طبق جزء «و» بند ۲ قطعنامه شماره ۷.۱۲ خاویاری که در هر سال سهمیه‌ای برداشت و فراوری شده، باید در همان سال صادر شود. پروانه صدور خاویار باید تا روز آخر سال سهمیه‌ای معتبر باشد و کشورهای متعاقد مکلف‌اند از واردات

سالانه باید بر مبنای راهبردی منطقه‌ای برای حفظ تاسماهیان تعیین شود و نباید به مقداری باشد که برای بقای آنها زیانبار باشد (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7, Para.3. a).

نکته اساسی اینکه در مورد ذخایر مشترک بین چند کشور، میزان سهمیه صید و صادرات باید با توافق همه آن کشورها تعیین شود. چنانچه یک کشور سهمیه در ذخیره مشترک در فرایند تعیین سهمیه شرکت نکند، دیگران میزان کل صید مجاز و سهمیه صید و صادرات آن کشور را تعیین می‌کنند. در این صورت کشوری که از شرکت در فرایند تعیین سهمیه خودداری کرده، می‌تواند با اعلام قبول سهمیه تعیین شده به دبیرخانه سایتیس، به میزان سهمیه‌ای که دیگران تعیین کرده‌اند، گوشت و خاویار صادر کند. اما اگر بیش از دو کشور در فرایند تعیین سهمیه شرکت نکنند، سهمیه‌بندی انجام نخواهد شد و همه کشورها سهمیه صفر خواهند داشت. چنانچه ذخیره‌ای مشترک بین دو کشور باشد، سهمیه صید و صادرات باید با توافق آن دو کشور تعیین شود و چنانچه توافق حاصل نشود، دو طرف می‌توانند از شیوه میانجیگری از جمله توسط دبیرخانه سایتیس برای حصول توافق بهره بگیرند اما تا زمانی که توافق حاصل نشود، سهمیه هر دو کشور صفر خواهد بود (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7, Para.3. a. iii).

از آنجا که بیشینه صادرات گوشت و خاویار تاسماهیان توسط کشورهای ساحلی دریای خزر انجام می‌گیرد، موضوع اصلی نظام سهمیه‌بندی کنوانسیون سایتیس نیز این کشورها هستند. از سال ۲۰۰۱ و با عضویت ایران در کمیسیون منابع زنده دریای خزر، نظام سهمیه‌بندی از طریق این کمیسیون اعمال شد. کمیسیون هر سال با انعقاد پروتکل در اجلاس سالانه خود، کل صید مجاز و سهمیه صید و صادرات کشورهای ساحلی خزر را تعیین و برای دبیرخانه سایتیس ارسال می‌کرد. دبیرخانه سایتیس نیز در صورت موافقت با سهمیه‌های پیشنهادی کمیسیون، سهمیه صادرات گوشت و خاویار هریک از کشورهای ساحلی خزر را به طرف‌های کنوانسیون سایتیس اعلام می‌کرد.

با تمام این اوصاف، روند کاهش ذخایر ماهیان خاویاری در سال‌های پس از اعمال نظام سهمیه‌بندی نیز ادامه یافت، چه این نظام تنها صید مجاز ماهیان خاویاری را تنظیم می‌کرد و اثری بر صید غیرمجاز این ماهیان یا دیگر عوامل کاهش ذخایر آنها نداشت. از این رو بود که چنانکه ذکر شد، بنابر تصمیم سی‌ودومین اجلاس کمیسیون منابع زنده دریای خزر - که در دسامبر ۲۰۱۱ باکو تشکیل شد - صید تجاری ماهیان خاویاری از ابتدای سال ۲۰۱۲ به مدت ۵

خاویار برداشت یا فرآوری شده در سال سهمیه‌ای قبل خودداری کنند. همچنین طبق جزء «ز» بند یادشده صدور مجدد خاویار نیز نباید بیش از ۱۸ ماه از تاریخ پروانه اولیه صدور، انجام شود و گواهی صدور مجدد نیز نباید بیش از ۱۸ ماه اعتبار داشته باشد (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7, Para.2. f and g).

سال ممنوع شد.^۱ این ممنوعیت تا زمان نگارش این نوشتار تمدید شده است.^۲ بدین ترتیب، از آنجا که از سال ۲۰۱۱ تاکنون سهمیه صادرات کشورهای ساحلی خزر به دبیرخانه سایتیس اعلام نشده، از نظر طرف‌های کنوانسیون سایتیس سهمیه صادرات آنان صفر محسوب شده و عملاً صادرات قانونی گوشت و خاویار حاصل از ذخایر وحشی تاسماهیان دریای خزر متوقف شده است. در عین حال، مقررات سهمیه‌بندی قطعنامه شماره ۷.۱۲ همچنان به اعتبار خود باقی است و چنانچه در آینده کشورهای ساحلی خزر صید تجاری ماهیان خاویاری را دوباره آغاز کنند، صادرات گوشت و خاویار آنها باید در قالب سهمیه‌بندی سایتیس انجام گیرد.

۴. نظام برچسب‌گذاری ظروف بسته‌بندی خاویار

چنانکه اشاره شد، علت اصلی کاهش ذخایر تاسماهیان دریای خزر و ناکارایی تمهیدات اتخاذشده برای حفظ و احیای این ذخایر، صید غیرمجاز ماهیان خاویاری و تجارت غیرقانونی خاویار آنها بوده است. برای مقابله با تجارت غیرقانونی خاویار یک «نظام برچسب‌گذاری جهانی»^۳ برای تشخیص منشأ خاویار در چارچوب کنوانسیون سایتیس پیش‌بینی شده است. این نظام نخست در قطعنامه شماره ۱۳.۱۱ مصوب یازدهمین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاقد (گیگیری [کنیا] - ۲۰۰۰) تصویب شد و بعداً در ضمیمه ۱ قطعنامه شماره ۱۲.۷ تکرار و تکمیل شد. نظام جهانی برچسب‌گذاری شامل بسته‌بندی هر نوع خاویار می‌شود، خواه طبیعی باشد، خواه پرورشی و خواه برای مصرف داخلی تولید شده باشد، خواه برای صادرات. بنابر مقررات ضمیمه یادشده هر ظرفی که خاویار در آن بسته‌بندی یا بسته‌بندی مجدد می‌شود، باید دارای برچسب یک بار مصرف باشد. این برچسب باید دارای شناسه مخصوصی باشد که کشور مبدأ، سال صید ماهی و شماره ثبت واحد فراوری خاویار را مشخص می‌سازد. این شناسه باید در پروانه صدور یا گواهینامه صدور مجدد سایتیس نیز ذکر شود (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7, Annex 1). طبق بند ۲ قطعنامه شماره ۷.۱۲ از طرف‌های کنوانسیون خواسته شده است از واردات محمولات خاویار که مقررات برچسب‌گذاری ضمیمه ۱ را رعایت نکرده‌اند، خودداری کنند (CITES CoP, 2002: Resolution 12.7, Para.2. a. i).

۱. پیشنهاد توقف صید تجاری ماهیان خاویاری در سومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر که در نوامبر ۲۰۱۰ در باکو تشکیل شد، مطرح شد و مورد موافقت رؤسای جمهور پنج کشور قرار گرفت. شایان ذکر است که صید ماهیان خاویاری برای تحقیقات علمی یا به‌منظور بازسازی ذخایر، مجاز است.

۲. در چهارمین اجلاس کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری از منابع زنده آبی دریای خزر که در دسامبر ۲۰۲۰ برگزار شد، ممنوعیت صید تجاری ماهیان خاویاری دریای خزر تا پایان سال ۲۰۲۱ تمدید شده است. چنانکه خواهیم دید کمیسیون یادشده بنابر موافقت‌نامه منابع زنده آبی جایگزین کمیسیون منابع زنده دریای خزر شده است.

3. Universal labelling system

موافقت‌نامه منابع زنده آبی

چنانکه اشاره شد، موافقت‌نامه منابع زنده آبی دریای خزر نخستین معاهده بین‌المللی میان کشورهای ساحلی دریای خزر است که در سطح منطقه‌ای رژیم حقوقی مشترکی را برای مدیریت یکپارچه و نهادینه منابع آبی دریای خزر پی‌ریزی می‌کند. در این بخش این موافقت‌نامه بررسی می‌شود.

۱. هدف و دامنه موضوعی موافقت‌نامه

بنابر ماده ۳ موافقت‌نامه منابع زنده آبی «هدف از این موافقت‌نامه، حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر از جمله مدیریت منابع زنده آبی مشترک می‌باشد» برای نیل به این هدف، طرف‌های موافقت‌نامه به اصول پنج‌گانه‌ای متعهد شده‌اند که در ماده ۴ موافقت‌نامه ذکر شده‌اند. این اصول عبارت‌اند از: حفاظت از منابع زنده آبی دریای خزر بر استفاده تجاری آنها؛ بهره‌برداری پایدار از منابع زنده آبی مشترک؛ اعمال قواعد بین‌المللی پذیرفته‌شده در خصوص مدیریت صید و حفاظت از منابع زنده آبی دریای خزر؛ حفاظت از زیست‌بوم و تنوع زیستی منابع زنده آبی دریای خزر؛ کاربرد تحقیقات علمی به‌عنوان اساس حفاظت از منابع زنده آبی؛ تطابق اقدامات مربوط به حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر در سراسر منطقه زیستگاه گونه‌ها.

نکته اساسی اینکه به دلالت مواد ۳، ۶، ۱۰ و ۱۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی، رژیم مدیریت شیلات مقرر در این موافقت‌نامه اغلب ناظر بر «منابع زنده آبی مشترک»^۱ بین کشورهای ساحلی است. در تعریف «منابع زنده آبی مشترک» ذیل ماده ۲ موافقت‌نامه چنین آمده است: «تاس‌ماهیان، کیلکاماهیان، فک‌ها و همچنین گونه‌های ماهیانی که توسط کمیسیون [حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی] در این فهرست درج گردیده‌اند». به بیان دیگر، موافقت‌نامه منابع زنده آبی ذخایر تاسماهیان، کیلکاماهیان و فک دریایی دریای خزر را به‌عنوان ذخایر مشترک بین پنج کشور ساحلی خزر شناخته که موضوع تدابیر حفاظتی و مدیریتی این موافقت‌نامه واقع می‌شوند. البته فهرست منابع زنده آبی مشترک لزوماً به موارد مذکور محدود نمی‌شود، زیرا چنانکه خواهیم دید، کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر از اختیار تغییر این فهرست برخوردار است، اما تا زمانی که دیگر منابع آبی دریای خزر به فهرست اضافه نشوند، مشمول موافقت‌نامه نخواهند بود.

1. Shared Aquatic Biological Resources

۲. کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر

چنانکه در مقدمه نیز اشاره شد، بررسی اسناد تأسیس رژیم‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات نشان می‌دهد که این رژیم‌ها همواره بر محور نوعی نهاد جمعی بین‌دولتی شکل می‌گیرند. این نهادها که به‌عنوان سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای مدیریت شیلات شناخته می‌شوند، سیاستگذاری و تصمیم‌گیری درباره اقدامات مربوط به مدیریت منابع آبی تحت پوشش اسناد یادشده را به‌عهده دارند.^۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی نیز رویکردی مشابه اتخاذ کرده است. بنابر ماده ۱۰ موافقت‌نامه یادشده کشورهای ساحلی دریای خزر «کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی و مدیریت ذخایر مشترک»^۲ (زین پس به اختصار «کمیسیون» خوانده می‌شود) را برای دستیابی به اهداف این موافقت‌نامه تأسیس کرده‌اند. این کمیسیون جایگزین کمیسیون منابع زنده دریای خزر شده و وظایف و اختیارات آن را نیز به‌عهده گرفته است.

۲.۱. ترکیب، آیین کار و تصمیمات کمیسیون

بنابر ماده ۱۰ موافقت‌نامه منابع زنده آبی هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر دارای یک نماینده در کمیسیون است. ریاست کمیسیون هر دو سال بین نمایندگان طرف‌های موافقت‌نامه به‌ترتیب الفبای زبان انگلیسی می‌چرخد. نشست عادی کمیسیون حداقل سالی یک بار در قلمرو طرفی که ریاست آن را به‌عهده دارد، برگزار خواهد شد. نشست فوق‌العاده بنا به درخواست کتبی هر یک از طرف‌های موافقت‌نامه از رئیس کمیسیون و با تأیید حداقل سه طرف متعاقد تشکیل می‌شود.

بنابر بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه منابع زنده آبی: «برای تشکیل نشست کمیسیون، حضور نمایندگان همه طرف‌ها ضروری است» و از سوی دیگر، بنابر بند ۷ ماده یادشده: «تصمیم‌های کمیسیون به اتفاق آرا توسط نمایندگان طرف‌ها اتخاذ... خواهد شد». البته بند ۲ ماده ۱۰ تأکید دارد که «نماینده هر طرف، دارای یک رأی خواهد بود»، بدین ترتیب، شیوه تصمیم‌گیری کمیسیون اجماعی بوده و نیازمند رأی مثبت هر پنج کشور ساحلی است و هیچ تصمیمی بدون رضایت همه اعضا اتخاذ نخواهد شد. این در حالی است که در بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات تصمیمات با اکثریت آرا اتخاذ می‌شوند.^۳ افزون بر این، در حالی که تصمیمات

۱. در حال حاضر ۴۹ سازمان منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای مدیریت شیلات در سطح جهان وجود دارد. صلاحیت، وظایف و اختیارات سازمان‌های مذکور در بخش ۳ موافقت‌نامه ذخایر ماهیان مشخص شده است. برای توضیح

بیشتر درباره این سازمان‌ها ر.ک.: Rayfuse, 2015: 439-62

2. Commission on the Conservation and Sustainable Use of Aquatic Biological Resources and Management of Shared Stocks

۳. برای توضیح بیشتر درباره شیوه‌های تصمیم‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات ر.ک.: McDorman, 2005:428-32

بسیاری از سازمان‌های یادشده جنبه توصیه‌ای دارند، تصمیمات کمیسیون الزامی‌اند و بنابر بند ۸ ماده ۱۰ موافقت‌نامه منابع زنده آبی «طرف‌ها اجرای تصمیم‌های کمیسیون را در سطح ملی تضمین خواهند نمود».

۲.۲. وظایف و اختیارات کمیسیون

در بندهای ۱۲ گانه ماده ۱۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی وظایف و اختیارات متعددی برای کمیسیون پیش‌بینی شده است. در بین این موارد باید در وهله نخست به اختیار اعمال تغییرات در فهرست گونه‌های منابع زنده آبی مشترک موضوع بند ۲ ماده یادشده اشاره کرد. طبق این بند کمیسیون می‌تواند غیر از تاسماهیان و کیلکاماهیان و فک‌های دریایی، دیگر منابع آبی دریای خزر را نیز مشمول رژیم مدیریتی موافقت‌نامه منابع زنده آبی قرار دهد. همچنین بنابر بند ۶ ماده ۱۱، کمیسیون می‌تواند برای حفظ منابع آبی مشترک محدودیت‌هایی همچون تعیین فصول یا مناطق ممنوعه صید، تعیین ابزار و ادوات مجاز صید، تعطیل فصلی یا منع صید گونه‌های منابع زنده آبی^۱ و... را مقرر کند. افزون بر این، اموری همچون «تصویب برنامه‌های حفاظت از گونه‌های کمیاب و در معرض خطر منابع زنده آبی مشترک»، «تصویب... برنامه‌های تحقیقات علمی در زمینه منابع زنده آبی مشترک»، «تسهیل حل و فصل اختلاف‌ها در زمینه حفاظت و بازسازی و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی مشترک» و «همکاری با سازمان‌های تخصصی بین‌المللی ذی‌ربط برای دستیابی به اهداف موافقت‌نامه» نیز به عهده کمیسیون قرار گرفته است. با این همه، بی‌شک کارکرد اصلی کمیسیون تعیین کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی منابع زنده آبی مشترک طبق مقررات مواد ۶ و ۱۱ موافقت‌نامه است که در سطور بعدی بدان خواهیم پرداخت.

۲.۳. تعیین کل صید مجاز و تخصیص سهمیه‌های ملی منابع زنده آبی مشترک

راهکار اصلی سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات برای حفظ و مدیریت ذخایر آبی تحت پوشش این سازمان‌ها، تعیین «کل صید مجاز»^۲ و «تخصیص سهمیه ملی»^۳ است. در این روش حجم مجاز برداشت از یک ذخیره - اغلب به صورت وزنی یا عددی - در دوره زمانی مشخص - اغلب در مدت یک سال یا یک فصل صید - تعیین شده و به هریک از کشورهای عضو سازمان سهمیه معینی از این حجم مجاز تخصیص داده می‌شود و شناورهای صیادی هر کشور عضو

۱. چنانکه اشاره شد، کمیسیون از اختیار موضوع بند ۶ ماده ۱۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی در خصوص ممنوعیت صید تجاری ماهیان خاویاری استفاده کرده است.

2. Total Allowable Catch (TAC)

3. Allocation of National Quotas

فقط در حد سهمیه ملی خود مجاز به صید از آن ذخیره هستند. هدف از این راهکار حفظ بهره‌برداری از ذخایر آبی در سطح پایدار جلوگیری از صید بی‌رویه است.^۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی نیز راهکار تعیین کل صید مجاز و تخصیص سهمیه‌های ملی را برای حفظ و مدیریت منابع زنده آبی مشترک دریای خزر پذیرفته است. بنابر بند ۱ ماده ۶ این موافقت‌نامه «طرف‌ها، صید منابع زنده آبی مشترک را براساس کل صید مجاز، سهمیه‌های ملی تعیین شده طبق ضوابط یکسان تعیین شده به وسیله کمیسیون، . . . انجام خواهند داد». بنابر بند ۳ ماده ۱۱ موافقت‌نامه «تعیین سالانه کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک و تقسیم آنها بر سهمیه‌های ملی» از جمله اختیارات کمیسیون است که در نشست سالانه آن انجام می‌گیرد. با لحاظ بند ۷ ماده ۱۰ موافقت‌نامه منابع زنده آبی، روشن است که تصمیم کمیسیون درباره کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی منابع مشترک نیازمند اجماع پنج کشور ساحلی است و به اتفاق آرا اتخاذ می‌شود. طبعاً، این امکان وجود دارد که در این خصوص بین اعضای کمیسیون اجماع حاصل نشود. این فرض در بند ۲ ماده ۶ موافقت‌نامه منابع زنده آبی پیش‌بینی شده است که مقرر می‌کند: «در صورت عدم توافق طرف‌ها در زمینه تعیین سهمیه‌ها، آخرین تصمیم اتخاذ شده توسط کمیسیون در مورد سهمیه‌ها اعمال خواهد شد».

اما مسئله اساسی درباره تعیین کل صید مجاز و تخصیص سهمیه‌های ملی معیارهایی است که در این خصوص اعمال می‌شود. بنابر بند ۴ ماده ۱۱ موافقت‌نامه منابع زنده آبی «تعیین معیارهای تخصیص کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک به سهمیه‌های ملی» از اختیارات کمیسیون است. بررسی اسناد تأسیس و رویه سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات نشان می‌دهد که تعیین کل صید مجاز و تخصیص سهمیه‌های ملی بر دو استوار است؛ نخست اینکه هدف از این راهکار «پایداری درازمدت»^۲ ذخایر آبی است، بدین معنی که ذخایر در سطحی حفظ یا احیا شوند که در درازمدت حداکثر بهره‌برداری پایدار از آنها میسر شود؛ دوم اینکه تعیین کل صید مجاز و سهمیه‌بندی آن باید براساس «بهترین دلایل علمی قابل دسترسی»^۳ انجام پذیرد تا وضعیت واقعی ذخایر در فرایند تصمیم‌گیری مدنظر قرار گیرد.

با لحاظ ماده ۴ موافقت‌نامه منابع زنده آبی، به نظر می‌رسد کشورهای ساحلی دریای خزر پایبندی خود به دو اصل یادشده را اعلام کرده‌اند. بنابر بند ۲ ماده مذکور، طرف‌های موافقت‌نامه به اصل «بهره‌برداری پایدار از منابع زنده مشترک» متعهد شده‌اند و بنابر بند ۵ این ماده نیز به استفاده از «تحقیقات علمی به‌عنوان اساس . . . مدیریت منابع زنده آبی مشترک» متعهد شده‌اند. اما آنچه در این زمینه مغفول مانده، پایبندی کمیسیون به اصل معروف به

۱. برای توضیح بیشتر درباره روش تعیین کل صید مجاز و تخصیص سهمیه‌های ملی ر.ک: Molenaar, 2004

2. Long-Term Sustainability

3. Best Scientific Evidence Available

«رویکرد احتیاطی»^۱ است.^۲ بنابر این اصل، در مواردی که اطلاعات علمی درباره ذخایر آبی قطعی یا کافی نباشد، نبود اطلاعات علمی قطعی و کافی دلیل تعویق یا عدم اتخاذ اقدامات حفاظتی و مدیریتی تلقی نخواهد شد. این اصل در ماده ۶ موافقتنامه ذخایر ماهیان و بسیاری از اسناد تأسیس سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات مورد تأکید قرار گرفته^۳ است، اما در موافقتنامه منابع زنده آبی اشاره‌ای بدان دیده نمی‌شود. با این وصف، از آنجا که کشورهای ساحلی خزر در ماده ۵ کنوانسیون تهران به اصل رویکرد احتیاطی متعهد شده‌اند^۴، به نظر می‌رسد کمیسیون باید این اصل را در تصمیمات خود مدنظر قرار دهد.

گذشته از اینها، به نظر می‌رسد عواملی همچون حجم تلاش صید، الگوها و رویه‌های صیادی، نقش هریک از کشورهای ساحلی در اجرای تدابیر حفاظتی و مدیریتی و تحقیق علمی در زمینه منابع زنده آبی مشترک و بالأخره نیازهای جوامع صیادی محلی نیز باید در تصمیمات کمیسیون درباره تخصیص سهمیه‌های علمی در نظر گرفته شود.^۵

۲.۴. مقررات ویژه تاسماهیان (ماهیان خاویاری)

چنانکه گفته شد، تاسماهیان در صدر فهرست منابع زنده آبی مشترک قرار دارند و موضوع همه مقررات حفاظتی و مدیریتی موافقتنامه منابع زنده آبی هستند. در عین حال، به لحاظ جایگاه تجاری و شیلاتی ویژه ماهیان خاویاری دریای خزر مقررات ویژه‌ای نیز در خصوص این ذخایر در موافقتنامه یادشده پیش‌بینی شده است. در وهله نخست، بنابر بند ۱۷ ماده ۱۱ موافقتنامه منابع زنده آبی، «تعیین سهمیه‌های صادراتی در رابطه با تاسماهیان و فراورده‌های حاصل از این گونه‌ها» در شمار اختیارات کمیسیون ذکر شده است. روشن است که اشاره این بند به نظام

1. Precautionary Approach

۲. اعمال دو اصل حداکثر بهره‌برداری پایدار و استفاده از بهترین دلایل علمی قابل دسترسی برای حفاظت، احیا و استفاده منطقی از منابع زنده دریایی دریای خزر در ماده ۱۴ کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر (معروف به «کنوانسیون تهران» و زین پس به این عنوان خوانده می‌شود) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. شایان ذکر است که کنوانسیون تهران در سال ۲۰۰۳ به منظور حفاظت از محیط زیست دریای خزر بین پنج کشور ساحلی منعقد شده است. برای ملاحظه متن فارسی کنوانسیون تهران ر.ک: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/87447>

۳. برای توضیح بیشتر درباره نحوه اعمال رویکرد احتیاطی در تصمیمات سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت شیلات ر.ک: McDorman, 2005: 435-436

۴. در ماده ۵ کنوانسیون تهران چنین می‌خوانیم: «طرف‌های متعاقد در اقدامات خود... از جمله از طریق اصول زیر راهنمایی خواهند شد: الف) اصل احتیاطی که به موجب آن در صورتی که تهدید جدی یا خسارت جبران‌ناپذیر به محیط زیست دریای خزر وجود داشته باشد، فقدان اطمینان علمی جامع نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات مقرون به صرفه برای جلوگیری از خسارت مزبور، مورد استفاده قرار گیرد».

۵. این معیارهای تخصیص سهمیه به‌طور ارشادی در ماده ۱۱ موافقتنامه ذخایر ماهیان ذکر شده‌اند.

سه‌میه‌بندی کنوانسیون سائیتیس است که قبلاً درباره آن توضیح داده شد. بنابراین، از آنجا که در صورت شروع مجدد صید تجاری تاسماهیان، صدور گوشت و خاویار آنها باید مجدداً در قالب نظام سه‌میه‌بندی کنوانسیون سائیتیس انجام پذیرد، اختیار تعیین سه‌میه‌های صادراتی کشورهای ساحلی خزر نیز به کمیسیون اعطا شده است.

از این گذشته، بنابر ماده ۷ موافقت‌نامه منابع زنده آبی، «صید تجاری تاسماهیان در رودخانه‌ها و مصب آنها و نیز در مناطق دریایی تعیین شده با تصمیم کمیسیون، با در نظر گرفتن روش‌های سنتی صیادی هر یک از کشورهای طرف [موافقت‌نامه] انجام خواهد گرفت». به نظر می‌رسد که این ماده در صدد احیای سیاست دیرینه شوروی سابق است که صید ماهیان خاویاری در آب‌های دریای خزر را ممنوع و صید این ماهیان را به رودخانه‌های منتهی به دریای خزر محدود کرده بود.^۱ در عین حال، این ماده صید ماهیان خاویاری در مناطق مشخصی از دریا را که با تصمیم کمیسیون و بر مبنای «روش‌های سنتی صیادی» کشورهای ساحلی تعیین می‌شود، مجاز دانسته است. این تقیید در ماده مورد بحث امتیازی برای ایران به نظر می‌رسد، زیرا در میان کشورهای ساحلی دریای خزر، تنها صیادان ایرانی بودند که به‌طور سنتی در خود دریای خزر به صید ماهیان خاویاری می‌پرداختند.

از سوی دیگر، از آنجا که ممکن است «صید ضمنی»^۲ ماهیان خاویاری تمهیدات برای حفظ و احیای ذخایر این ماهیان را ناکارا سازد، در بند ۱ ماده ۸ موافقت‌نامه منابع زنده آبی مقرر شده است که: «صید ضمنی تاسماهیان باید به حداقل رسانده شود و موارد آن حتماً باید ثبت گردد» و در بند ۲ این ماده نیز مقرر شده است که «نگهداری تاسماهیان که به‌عنوان صید ضمنی، صید می‌شوند، مجاز نخواهد بود و تاسماهیان مزبور باید بلافاصله به زیستگاه طبیعی بازگردانده شوند».

۲.۵. مبارزه با صید غیرقانونی، گزارش نشده و ساماندهی نشده

چنانکه گفته شد، صید غیرقانونی نقشی اساسی در روند نزولی ذخایر ماهیان دریای خزر داشته و به ویژه ذخایر ماهیان خاویاری این دریا را در معرض انقراض قرار داده است. علاوه بر صید غیرقانونی، صید گزارش نشده و ساماندهی نشده (غیرمنظم)^۳ نیز به اخلال در

۱. ممنوعیت صید ماهیان خاویاری در دریا از سال ۱۹۶۲ در بخش شوروی دریای خزر آغاز شد و تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی ادامه داشت. ظاهراً این سیاست در زمان خود در حفظ و احیای ذخایر تاسماهیان دریای خزر موفق بوده است. در این خصوص ر.ک: Khodorevskaya, 1997:210 & 216; Ruban *et al.*, 2011:199

۲. منظور از «صید ضمنی» (by-catch) صید غیرعمدی یک گونه آبی است که درحالی که هدف از صید برداشت گونه دیگری بوده است.

۳. در اسناد و ادبیات حقوق بین‌الملل شیلات بین سه مفهوم «صید غیرقانونی (غیرمجاز)» (illegal fishing)، «صید گزارش نشده» (unreported fishing) و «صید ساماندهی نشده (غیرمنظم)» (unregulated fishing)

حفظ و مدیریت ذخایر آبی دریای خزر خواهد انجامید. از این رو مبارزه با صید غیرقانونی، گزارش نشده و ساماندهی نشده از عناصر ضروری رژیم مدیریت شیلات دریای خزر است. بنابر بند ۳ ماده ۵ موافقت نامه منابع زنده آبی کشورهای ساحلی دریای خزر متعهد شده‌اند در زمینه «اتخاذ تدابیری برای مبارزه با صید غیرقانونی، گزارش نشده و نامنظم و تجارت غیرقانونی منابع زنده آبی» با یکدیگر همکاری کنند. همچنین در ماده ۹ موافقت نامه مقرر شده است: «طرف‌ها کلیه اقدامات ممکن را برای مبارزه با صید غیرقانونی، گزارش نشده، نامنظم و تجارت غیرقانونی منابع زنده آبی و همچنین فرآورده‌های حاصل از منابع مزبور به عمل خواهند آورد». اما فراتر از این مقررات کلی، تعهدات مشخصی در این زمینه برای کشورهای ساحلی خزر مقرر نشده است.

کنوانسیون وضعیت حقوقی

چنانکه گفته شد، در صورت لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون وضعیت حقوقی نظم حقوقی جدیدی در دریای خزر استقرار خواهد یافت که بر تقسیم دریای خزر به مناطق دریایی کشورهای ساحلی از یک سو و پهنه آبی مشترک بین پنج کشور از سوی دیگر استوار شده است. از آنجا که ایجاد مناطق یادشده آثاری از حیث مدیریت شیلات دریای خزر در پی خواهد داشت، در این بخش کنوانسیون وضعیت حقوقی از این دیدگاه بررسی می‌شود.

۱. مناطق دریایی کشورهای ساحلی

بنابر ماده ۵ کنوانسیون وضعیت حقوقی «دریای خزر به آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، مناطق ماهیگیری و پهنه دریایی مشترک تقسیم می‌شود». در میان این مناطق، آب‌های داخلی و سرزمینی تحت حاکمیت کشورهای ساحلی قرار دارند و مناطق ماهیگیری به‌منظور بهره‌برداری از منابع آبی پیش‌بینی شده‌اند.

تفکیک می‌شود. «صید غیرقانونی» عبارت است از صید بدون پروانه صید یا خلاف شرایط پروانه صید در مناطق دریایی کشورهای ساحلی یا صید خلاف مقررات و مصوبات حفاظتی و مدیریتی یک سازمان منطقه‌ای مدیریت شیلات در آب‌های آزاد تحت صلاحیت آن سازمان. «صید گزارش نشده» عبارت است از عدم گزارش یا گزارش خلاف واقع درباره میزان یا نوع صید یک شناور صیادی که ناقض مقررات ملی یا مقررات یک سازمان منطقه‌ای مدیریت شیلات باشد. «صید ساماندهی نشده» عبارت است از صید در آب‌های تحت صلاحیت یک سازمان منطقه‌ای مدیریت شیلات توسط یک شناور صیادی بی‌پرچم یا تحت پرچم کشوری که عضو آن سازمان نیست. برای توضیح بیشتر رک: Ndiaye, 2011.

۱.۱. آب‌های داخلی و سرزمینی

بنابر ماده ۶ کنوانسیون وضعیت حقوقی حاکمیت هریک از کشورهای ساحلی دریای خزر «خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی آن بر باریکه‌ای از دریای مجاور که آب‌های سرزمینی نامیده می‌شود، و همچنین بر بستر و زیر بستر آن و نیز بر فضای هوایی آن تسری می‌یابد». بنابر ماده ۷ کنوانسیون یادشده آب‌های سرزمینی ۱۵ مایل دریایی از خط مبدأیی که هر کشور ساحلی تعیین می‌کند، وسعت دارد. از سوی دیگر، بنابر بند ۷ ماده ۱ کنوانسیون وضعیت حقوقی آب‌های واقع در سمت خشکی خطوط مبدأ هر کشور ساحلی، «آب‌های داخلی» کشور ساحلی محسوب می‌شود که تحت حاکمیت آن کشور قرار دارد. بدیهی است که حاکمیت کشور ساحلی بر آب‌های داخلی و سرزمینی شامل منابع آبی واقع در این دو منطقه نیز می‌شود. بنابراین، هم حفاظت و مدیریت این منابع و هم بهره‌برداری از آنها منحصرأ در اختیار کشور ساحلی خواهد بود.

۲. منطقه ماهیگیری

بنابر بند ۹ ماده ۱ کنوانسیون وضعیت حقوقی، منطقه ماهیگیری «باریکه‌ای از دریا است که در آن کشور ساحلی از حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی برخوردار است». ماده ۹ کنوانسیون وضعیت حقوقی به منطقه ماهیگیری اختصاص یافته است. بنابر بند ۱ این ماده، هر کشور ساحلی «در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین خواهد کرد». بنابراین، منطقه ماهیگیری ۱۰ مایل دریایی از حد خارجی آب‌های سرزمینی وسعت خواهد داشت. پیش‌بینی منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی به‌نوعی ادامه منطقه انحصاری ماهیگیری است که در بند ۴ ماده ۱۲ عهدنامه ۱۹۴۰ ایران و شوروی پیش‌بینی شده بود، با این تفاوت که منطقه ماهیگیری عهدنامه یادشده از ساحل محاسبه می‌شد، اما منطقه ماهیگیری موضوع ماده ۹ کنوانسیون وضعیت حقوقی از حد خارجی آب‌های سرزمینی محاسبه می‌شود. به بیان دیگر، منطقه ماهیگیری جدید تا ۲۵ مایل دریایی از خط مبدأ وسعت خواهد داشت (صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۹۲-۲۹۱).

بنابر بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون وضعیت حقوقی: «هر طرف در منطقه ماهیگیری خود از حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی طبق این کنوانسیون، موافقت‌نامه‌های جداگانه منعقد توسط طرف‌ها براساس کنوانسیون و قوانین ملی خود برخوردار خواهد بود». بنابراین، منطقه ماهیگیری صرفاً از حیث برداشت منابع زنده دریایی تحت صلاحیت انحصاری کشور ساحلی است و تنها شناورهای صیادی که از کشور ساحلی مجوز دارند، مجاز به صید در این منطقه هستند. دیگر کشورهای ساحلی بنابر بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون وضعیت حقوقی از آزادی

دریانوردی در منطقه ماهیگیری برخوردارند، اما مجاز به صید منابع آبی این منطقه نیستند. در عین حال، با لحاظ عبارت «براساس... قوانین ملی» در بند ۲ روشن است که صلاحیت کشور ساحلی صرفاً به «برداشت» منابع آبی منطقه ماهیگیری محدود نمی‌شود و این کشور مجاز به وضع و اجرای مقررات لازم برای حفظ و مدیریت این منابع نیز است. افزون بر اینها، بنابر بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون وضعیت حقوقی، وضع قواعد، تجویز و اجرای تحقیقات علمی دریایی مربوط به منابع زنده آبی در منطقه ماهیگیری در صلاحیت انحصاری کشور ساحلی است.

۳. منابع زنده آبی مشترک

چنانکه بیان شد، مقررات حفاظتی و مدیریتی موافقت‌نامه منابع زنده آبی اغلب ناظر بر ذخایر آبی هستند که به‌عنوان «منابع زنده آبی مشترک» شناخته شده‌اند. حال مسئله این است که در فرض اجرایی شدن کنوانسیون وضعیت حقوقی آیا کشورهای ساحلی موظف به رعایت مقررات موافقت‌نامه و مصوبات کمیسیون درباره منابع زنده آبی مشترک واقع در مناطق دریایی خود هستند؟ برای پاسخ به این مسئله در وهله نخست باید در نظر داشت که بنابر بند ۱۲ ماده ۳ کنوانسیون وضعیت حقوقی از جمله اصولی که کشورهای ساحلی بدان متعهد شده‌اند، «اعمال موازین و قواعد مورد توافق مربوط به تکثیر و تنظیم استفاده از منابع زنده آبی مشترک» است.^۱ از سوی دیگر، در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون وضعیت حقوقی چنین می‌خوانیم: «طرف‌ها براساس این کنوانسیون و سازوکارهای بین‌المللی کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک در دریای خزر را مشترکاً تعیین و آن را به سهمیه‌های ملی تقسیم خواهند کرد». از آنجا که ماده ۹ به منطقه ماهیگیری اختصاص دارد، بی‌شک کشورهای ساحلی مکلف به رعایت کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی برای بهره‌برداری از منابع زنده آبی مشترک در منطقه ماهیگیری خود هستند.^۲ همچنین رعایت دیگر مقررات موافقت‌نامه در منطقه ماهیگیری الزامی به‌نظر می‌رسد. در تأیید این برداشت، گذشته از اصل موضوع بند ۱۲ ماده ۳ کنوانسیون وضعیت حقوقی، باید به ماده ۲۰ این کنوانسیون نیز اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «این کنوانسیون بر حقوق و تعهدات طرف‌ها ناشی از سایر معاهدات بین‌المللی که در آن عضو هستند، تأثیر نخواهد داشت».

۱. در بند ۱۳ ماده ۱ کنوانسیون وضعیت حقوقی در تعریف «منابع زنده آبی مشترک» چنین آمده است: «منابع زنده آبی که مشترکاً توسط طرف‌ها مدیریت می‌شوند».

۲. شایان ذکر است که طبق بند ۴ ماده ۹ کنوانسیون وضعیت حقوقی: «چنانچه یکی از طرف‌ها امکان برداشت تمامی سهمیه خود از کل صید مجاز را نداشته باشد، می‌تواند از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا از طریق ترتیبات دیگر طبق قوانین ملی خود، دسترسی به باقیمانده سهم خود از کل صید مجاز را به طرف‌های دیگر اعطا کند». مفاد این بند عیناً تکرار بند ۳ ماده ۶ موافقت‌نامه منابع زنده آبی است.

بنابراین، حقوق و تعهدات کشورهای ساحلی ناشی از موافقت‌نامه منابع زنده آبی بر حقوق و تعهدات ناشی از کنوانسیون وضعیت حقوقی برتری دارد.

اگرچه کنوانسیون وضعیت حقوقی در مورد منابع زنده آبی مشترک واقع در آب‌های داخلی و سرزمینی سکوت کرده است، به نظر می‌رسد رعایت مقررات موافقت‌نامه منابع زنده آبی در این دو منطقه نیز الزامی است، زیرا آنچه درباره اصل بنیادی موضوع بند ۱۲ ماده ۳ و شرط برتری موضوع ماده ۲۰ کنوانسیون گفته شد، درباره آب‌های داخلی و سرزمینی نیز صادق است. افزون بر این، باید در نظر داشت که به لحاظ وسعت آب‌های داخلی و سرزمینی و نحوه صید در دریای خزر، فعالیت‌های صیادی بسیاری در این دو منطقه انجام خواهد گرفت، از این رو اگر آب‌های داخلی و سرزمینی کشورهای ساحلی از شمول مقررات موافقت‌نامه منابع زنده آبی خارج شوند، این موافقت‌نامه عملاً بی‌اثر خواهد شد.

۴. پهنه دریایی مشترک

بنابر بند ۱۰ ماده ۱ کنوانسیون وضعیت حقوقی «پهنه دریایی مشترک» منطقه آبی است که در بیرون از حدود خارجی مناطق ماهیگیری واقع شده و استفاده از آن به روی همه طرف‌ها باز است». با لحاظ این تعریف، قسمت اعظم دریای خزر جزو پهنه دریایی مشترک خواهد بود و همه کشورهای ساحلی به‌طور برابر محق به بهره‌برداری از ذخایر آبی واقع در این منطقه خواهند بود. کنوانسیون وضعیت حقوقی در خصوص رژیم حقوقی پهنه دریایی مشترک و از جمله قواعد مربوط به منابع زنده این منطقه سکوت کرده است. با این همه، بنابر آنچه درباره اصل موضوع بند ۱۲ ماده ۳ و ماده ۲۰ کنوانسیون وضعیت حقوقی گفته شد، به نظر می‌رسد که رعایت مقررات موافقت‌نامه منابع زنده آبی به‌ویژه از حیث کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی منابع زنده آبی مشترک الزامی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

طی سه دهه گذشته رژیم حقوقی نوینی در زمینه مدیریت شیلات دریای خزر پدید آمده است. اعمال سازوکارهای کنوانسیون سائیتیس درباره ذخایر تاسماهیان دریای خزر، به‌ویژه نظام سهمیه‌بندی صادرات گوشت و خاویار این ماهیان، عنصری اساسی در رژیم جدید است که از دو دهه پیش آغاز شده و عملاً تجارت ماهیان خاویاری دریای خزر را تحت نظارت بین‌المللی قرار داده است. با این وصف، چارچوب رژیم جدید با موافقت‌نامه منابع زنده آبی پی‌ریزی شد که در سال ۲۰۱۴ بین پنج کشور ساحلی دریای خزر منعقد شده است. بنابر موافقت‌نامه مذکور کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر تأسیس شد که نهاد

میان دولتی منطقه‌ای برای مدیریت شیلات دریای خزر است. این کمیسیون وظایف و اختیارات متعددی در راستای حفظ و مدیریت منابع آبی دریای خزر به‌عهده دارد که تعیین کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی کشورهای ساحلی در صدر آنها قرار دارد. در عین حال، مقررات حفاظتی و مدیریتی موافقت‌نامه منابع زنده آبی از جمله صلاحیت اغلب ناظر بر منابع زنده آبی مشترک است. در حال حاضر، تاسماهیان، کیلکاماهیان و فک دریایی دریای خزر در فهرست منابع زنده آبی مشترک‌اند، هرچند کمیسیون می‌تواند منابع دیگری را به این فهرست اضافه کند.

همچنین، در صورت لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون وضعیت حقوقی که در سال ۲۰۱۸ به امضای سران کشورهای خزر رسیده است، عناصر جدیدی به رژیم مدیریت شیلات دریای خزر افزوده خواهد شد. با اجرای این کنوانسیون بهره‌برداری از منابع آبی واقع در آب‌های داخلی و سرزمینی و همچنین منطقه ماهیگیری هر کشور ساحلی در انحصار آن کشور قرار خواهد گرفت. با این حال، کشورهای ساحلی مکلف‌اند مقررات موافقت‌نامه منابع زنده آبی و تصمیمات کمیسیون را، از جمله در خصوص کل صید مجاز و سهمیه‌های ملی منابع زنده آبی مشترک، در مناطق دریایی خود رعایت کنند. از سوی دیگر، هر پنج کشور ساحلی می‌توانند از منابع آبی واقع در پهنه دریایی مشترک به‌طور برابر بهره‌برداری کنند، اما بهره‌برداری از منابع این منطقه نیز با رعایت مقررات موافقت‌نامه منابع زنده آبی و مصوبات کمیسیون درباره منابع زنده آبی مشترک مجاز خواهد بود. بدین ترتیب، چارچوب حقوقی لازم برای مدیریت یکپارچه و نهادینه منابع آبی دریای خزر فراهم آمده است. با این همه، رفع خلأ حقوقی به‌خودی‌خود به رفع چالش‌های دریای خزر در این زمینه نخواهد انجامید. این نکته آشکارا در مورد بحران ذخایر ماهیان خاویاری دریای خزر نمود دارد که به‌رغم همه تمهیدات - از جمله سهمیه‌بندی صید و صادرات و سپس ممنوعیت صید تجاری - به روند نزولی خود ادامه داده و تا آستانه انقراض نسل رسیده‌اند. رفع این بحران و دیگر چالش‌های منابع آبی دریای خزر نیازمند آن است که در چارچوب رژیم حقوقی جدید، رویکردی زیست‌بوم‌محور به مدیریت شیلات دریای خزر اتخاذ شود تا هدف بهره‌برداری پایدار از منابع آبی آن برآورده شود. از دیگر سو، باید در نظر داشت که مدیریت مؤثر شیلات دریای خزر منوط به مقابله مؤثر با صید غیرمجاز است که عامل اصلی صید بی‌رویه در دریای خزر محسوب می‌شود و تاکنون تلاش‌ها برای حفظ و احیای منابع آبی به ویژه ماهیان خاویاری این دریا را ناکارا ساخته است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. سون، لویی بی، کریستین گوستافسون یوراس، جان ای نویز و اریک نرانکس (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: جنگل.
۲. شاحیدر، مرتضی (۱۳۹۱)، حل اختلافات رژیم حقوقی دریای خزر، تهران: دادگستر.
۳. کولایی، الهه؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۲)، دریای خزر: چالش‌ها و چشم‌اندازها، تهران: میزان.
۴. محمودزاده، کمال؛ جعفری، فریده (۱۳۹۶)، شناخت دریای مازندران و پیرامون آن، تهران: دبیزش.

ب) مقالات

۵. ببران، صدیقه؛ غمخوار، علی‌رضا (۱۳۸۶)، «نسل ماهی خاویار دریای خزر رو به انقراض است»، نشریه راهبرد، ش ۴۳، ص ۲۱۵-۲۰۱.
۶. پورکاظمی، محمد (۱۳۸۶)، «منابع زنده دریای خزر و کنوانسیون محیط زیست»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ش ۱، ص ۲۰-۱.
۷. دبیری، فرهاد؛ آزادبخت، بیتا (۱۳۸۹)، «بررسی مکانیسم‌های اجرایی معاهده CITES در نظام حقوقی ایران با هدف حفاظت از گونه‌های در معرض خطر»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۲، ش ۴، ص ۶۹-۵۹.
۸. دمیرچی‌لو، مجتبی (۱۳۸۵)، «نگاه ایرانی به تحولات رژیم حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره ۴، ش ۵۳، ص ۱۸۶-۱۵۹.
۹. صیرفی، ساسان (۱۳۹۹)، «خط مبدأ در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ص ۳۱۰-۲۷۵.
۱۰. ممتاز، جمشید (۱۳۷۴)، «وضعیت حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره ۲، ش ۱۰، ص ۱۳۰-۱۲۳.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱۱. فکور، صدیقه (۱۳۷۸)، بررسی نظام حقوقی حفاظت از منابع آبزی دریای خزر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. صدرخانلو، رجبعلی (۱۳۵۰)، روش‌های صید ماهی در دریای مازندران، رساله دکتری، دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Mirfendereski, Guive (2001), *A Diplomatic History of the Caspian Sea*, np., Palgrave.
2. Khodorevskaya, Raisa, Yulia Kim, Reza Shahifar, Elchin Mammadov, Damir Katunin, Boris Morozov, Mehman Akhundov, Orazmuhammet Muradov and Violeta Velikova (2014), *State and Dynamics of the Bioresources in the Caspian Sea*, Berlin/ Heidelberg, Springer.
3. Reeve, Rosalind (2002). *Policing International Trade in Endangered Species: The CITES Treaty and Compliance*, London: Routledge.
4. Sohn, Louis B., Kristen Gustafson Juras, John E. Noyes and Erik Franckx (2010), *The Law of the Sea in a Nutshell*, Thomson Reuters [translated into Persian by Mohammed Habibi Mojandeh]
5. Tanaka, Yoshifumi (2019), *The International Law of the Sea*, Cambridge University Press.

B) Articles

6. Aladin, N. V., T. Chida, Yu. S. Chuikov, Z. K. Ermakhanov, Y. Kawabata, J. Kubota, P. Micklin, I. S. Plotnikov, A. O. Smurov and V. F. Zaitzev (2018), "The History and Future of the Biological Resources of the Caspian and the Aral Seas", *Journal of Oceanology and Limnology*, Vol. 36 No. 6, pp. 2061-2084.
7. Karataeva, Elena (2020), "The Convention on the Legal Status of the Caspian Sea", *International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 35, pp. 232-263.
8. Khodorevskaya, Raisa (1997), "Present Status of Commercial Stocks of Sturgeons in The Caspian Sea Basin", *Environmental Biology of Fishes*, Vol. 48, pp. 209-219.
9. McDorman, Ted L. (2005), "Implementing Existing Tools: Turing Woods into Actions - Decision-Making Process of Regional Fisheries Management Organizations", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 20, pp. 423-457.
10. Molenaar, Erik Jaap (2004), "Regional Fisheries Management Organizations: Issues of Participation Allocation and Unregulated Fishing", in Oude Elferink, Alex G. and others (eds.), *Oceans Management in the 21st Century: Institutional Frameworks and Responses*, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers.
11. Ndiaye, Tafsir Malick (2011), "Illegal, Unreported and Unregulated Fishing", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 10, pp. 373-405.
12. Rayfuse, Rosemary (2015), "Regional Fisheries Management Organizations" in Donald R Rothwell and others (eds.), *Oxford Handbook on the Law of the Sea*, Oxford, Oxford University Press.
13. Ruban, G. I. & R. P. Khodorevskaya (2011), "Caspian Sea Sturgeon Fishery: A Historic Overview", *Journal of Applied Ichthyology*, Vol. 27, pp. 199-208.
14. Seyrafi, Sassan (2020), "Baselines in the Convention on the Legal Status of the

Caspian Sea”, *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 50, No. 1, pp. 275-310.

15. Vinogradov, Sergei & Wouters, Patricia (1996), “The Caspian Sea: Quest for a New Legal Regime”, *Leiden Journal of International Law*, Vol. 9, Issue1, pp. 87-98.

C) Documents

16. CITES [Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora] (1973), *United Nations Treaty Series*, Vol. 993, pp. 243-71.
17. CITES SC [Standing Committee] (2001), SC45 Summary Record, Annex 2: Recommendations adopted by the Standing Committee regarding Caspian Sea stocks of *Acipenser gueldenstaedtii*, *A. nudiventris*, *A. stellatus* and *Huso huso*.
18. CITES SC [Standing Committee] (2002), SC47 Doc. 11, Annex: Evaluation of compliance by Azerbaijan, Kazakhstan, the Russian Federation and Turkmenistan with actions to be implemented before 20 June 2002 pursuant to the Review of Significant Trade and decisions of the Standing Committee at its 45th meeting.
19. CITES CoP [Conference of the Parties] (2002), Resolution Conf.12.7(Rev. CoP17) Conservation of and Trade in Sturgeons and Paddlefish, adopted at the 12th meeting of the Conference of the Parties (Santiago, 2002).
20. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea (2018), *International Legal Materials*, Vol. 58, pp. 403-13.
21. De Meulenaer, Thomas and Caroline Raymakers (1996). *Sturgeons of the Caspian Sea and the International Trade in Caviar*, Monographic Series: Species in danger, TRAFFIC International/WWF International.